

محمود کریمی، کارگردان فیلم «بچه مردم» در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

بارها فیلم‌نامه را بررسی کردم تا نتیجه خوب باشد



مریم فضائلی خبرنگار گروه فرهنگ

محمود کریمی تا قبل از فیلم «بچه مردم» بیشتر با صدایش شناخته می‌شد. شاخص‌ترین کاری که مردم با آن کریمی را شناختند، آیت‌های برنامه تلویزیونی «خندوانه» بود. او گویندگی و کارگردانی این آیت‌ها را به‌عهده داشت و صدای خاصش باعث شد تا در ذهن‌ها باقی بماند. از زمانی که خندوانه آغاز به کار کرد تا زمانی که مدت‌ها بعد از پایان پخش این برنامه، تقریباً هیچ رد و نشانی از محمود کریمی نبود. تا اینکه او در اولین حضورهای حرفه‌ای، کاری کرد، کارستان! البته نبود رد و نشانی از کریمی به معنای کار نکردن او نبود. او پیش‌تر در آثار همچون فیلم‌های «نگار»، «چهارشنبه خون به پا می‌شود»، «فراموشی» و سریال «حالا برعکس» به‌عنوان بازیگر حضور داشته است. همچنین محمود کریمی کارگردانی سریال «حالا برعکس» را نیز برعهده داشت. اما تقریباً هیچ کدام این کارها باعث نشده بود که کریمی برای خودش به یک هویت و شناختی عمومی برسد. با پخش فیلم «بچه مردم» در سانس دوم روز سوم جشنواره فیلم فجر، توجه‌های زیادی به این کارگردان کاراولی جلب شد. به همین بهانه به سراغ محمود کریمی، کارگردان این کار رفتیم و از او درباره تجربه ساخت این فیلم پرسیدیم.

به‌عنوان سسوال ابتدایی، از ایده اولیه این فیلم بگوئید که چطور به آن رسیدید؟

ایده این فیلم از پیشنهاد آقای اصلانی به من و آقای احمدی شروع شد. حدود ۱۵ سال بود که آقای احمدی می‌خواست در این حوزه کار کند و به نظر می‌رسید نوبت ما بود که از این فرصت استفاده کنیم. من و خانم یارمحمدی زمان زیادی را صرف تحقیق و مصاحبه کردیم تا به یک طرح و ایده اولیه برسیم. پس از پذیرفته شدن طرح، مرحله نگارش فیلمنامه شروع شد. روند کار خوب پیش رفت و به دردمر خاصی برخورد نکردیم. امیدوار بودیم فیلم را برای جشنواره سال گذشته آماده کنیم، اما به دلیل مراحل پیش‌تولید و انتخاب بازیگران اصلی که مدت نسبتاً زیادی صرف آن شد، کار به امسال کشید.

همکاری شما با آقای احمدی به‌عنوان تهیه‌کننده کار چگونه بود؟

آقای احمدی و من حدود هفت هشت سال است که با هم کار می‌کنیم. به نظرم اگر آقای احمدی نبود، این فیلم ساخته نمی‌شد. یعنی حداقل من این پروژه را قبول نمی‌کردم. این کار به چیزهایی فراتر از مناسبات معمولی کاری نیاز داشت. این پروژه نیازمند اعتماد دوطرفه بود. به‌عنوان فیلم‌ساز

کاراولی «بچه مردم» پروژه بزرگی حساب می‌شد و امکان ریسک و خطا خیلی زیاد است؛ پس به سرانجام رساندن این فیلم فقط می‌توانست از آن اعتماد و دوستی دوطرفه وام بگیرد. ما قبلاً پروژه‌های مختلفی با هم انجام داده بودیم و اعتماد من به ایشان و ایشان به من، باعث شد بتوانیم این کار را پیش ببریم. با وجود چالش‌ها و سختی‌ها، نتیجه خوبی گرفتیم و امروز شاهد استقبال خوبی از فیلم هستیم.

فرایند ساخت فیلم چقدر طول کشید و از چه زمانی شروع شد؟

از اوایل بهار سال گذشته شروع کردیم. مراحل تحقیق، نگارش فیلمنامه و پیش‌تولید تا آبان ماه طول کشید. پیش‌تولید سنگینی داشتیم و تا آبان ماه طول کشید، مخصوصاً انتخاب بازیگران چالش بزرگی بود که مدت زمان قابل توجهی را صرف آن کردیم. نمی‌توانستیم ریسک کنیم و برای همین با سختی و صبوری چهار بازیگر پسر را پیدا کردیم. فیلمبرداری از آذرماه شروع شد و تا اواخر سال ادامه داشت. هدفمان این بود که فیلم در جشنواره امسال به‌خوبی دیده شود.

درباره انتخاب بازیگران فیلم توضیح دهید. چرا این ترکیب از بازیگران نوجوان تازه‌کار و پیشکسوت را انتخاب کردید؟

از همان ابتدا که قصه شکل گرفت، فهمیدیم کاراکترهای اصلی نوجوان هستند. متوجه شدیم که سینمای ایران بازیگر نوجوان کم دارد و باید خودمان آن‌ها را کشف و تربیت کنیم. در کنار آنها، از بازیگران پیشکسوت استفاده کردیم تا توازن مناسبی در فیلم ایجاد شود. چون برخی از نقش‌های کوتاه نوشته شده بود، می‌توانستیم حدس بزنیم که احتمالاً برای بازیگران رغبتی برای بازی کردن ایجاد نمی‌کند ولی خب ما از رفاقت‌هایمان استفاده کردیم و نقش‌ها را طوری نوشتیم که هر کدام، حتی با حضور کوتاه در حد دو سه سکانس، در روند داستان تأثیرگذار باشند. به‌نوعی آن‌ها را با این کار ترغیب به بازی کردیم.

برخی منتقدان معتقدند فیلم «بچه مردم» رنگ و بوی آمریکایی دارد. نظر شما چیست؟

من همیشه به سبک مشخصی در کارگردانی علاقه داشته‌ام و این سبک را برای این فیلم انتخاب کردم. اینکه رنگ و بوی آمریکایی دارد، شاید به دلیل دکوپاژ و ریتم فیلم باشد. اما این چیزی است که من دوست دارم و در این فیلم هم آن را اجرا کردم. اما به‌رحال درباره رنگ و بوی آمریکایی، چیزی نمی‌دانم!

برخی منتقدان اشاره کرده‌اند که فیلم‌نامه در برخی قسمت‌ها پرش دارد و ممکن است مخاطب را گیج کند. آیا این نظر را قبول دارید؟

من معتقدم فیلم‌نامه کاملاً منسجم بود که اگر این نبود آن را اصلاح می‌کردیم.

ما بارها فیلم‌نامه را بررسی کردیم و مشاوران زیادی آن را تحلیل کردند. به‌رحال همه سلیقه‌ها را نمی‌توان راضی کرد. در واقع شاید برای مخاطبی این حجم از چگالی قصه، ریتم و تمپو خیلی جذاب نباشد. همان‌طور که ما مخاطبانی داریم که با فیلم‌های کم‌قصه و ریتم کند مشکل دارند. به‌صورت کلی این موضوع به سلیقه افراد بستگی دارد.

شاید خیلی‌ها مثل ما وقتی می‌خوانند از «بچه مردم» بگویند، عبارت «تیم خندوانه» را برای این فیلم به‌کار می‌برند. به‌جز شما و آقای احمدی، آیا تیم «خندوانه» در ساخت این فیلم نقش داشتند؟

نه، هیچ‌کس از تیم «خندوانه» در این پروژه حضور نداشت. حتی من به دلیل شلوغی دوستانم در کار نتوانستم از آن‌ها در این پروژه استفاده کنم. همین باعث شد برای اولین بار این تیم دور هم شکل بگیرد و البته که تجربه بسیار خوبی بود.

این اولین تجربه شما در جشنواره فیلم فجر به‌عنوان کارگردان است. چه تفاوتی بین این تجربه و کارهای قبلی‌تان احساس می‌کنید؟

هر پروژه شرایط خاص خودش را دارد و هیچ چیز قطعی نیست. من در برنامه «پارک ملت» همراه با تیمی از مستندسازان جلوی دوربین بودم. در این فیلم هم تمرکز اصلی‌ام روی کارگردانی بود. این تجربه جدیدی برای من بود و از آن لذت بردم. البته پروژه‌های دیگری هم در راه داریم که هنوز در مرحله اولیه‌اند.

به‌عنوان کارگردان کار کدام صحنه یا سکانس فیلم برای شما جذاب‌تر بود و آن را بیشتر دوست داشتید؟

یکی از سکانس‌های موفق فیلم مواجهه مادر و پسر است.

بغل کردن ابوالفضل و گوهر خیراندیش صحنه جدیدی در سینمای ایران بود. حتی موقع پخش فیلم در برج میلاد، بسیاری بعد از دیدن این سکانس دست زدن و خیلی همراهی کردند. فکر می‌کنید برای اکران بابت این صحنه به مشکل می‌خورید؟

به‌نظر من خیر؛ چراکه واکنش مخاطب در آن لحظه نه از روی عبور از یک خط قرمز، بلکه ناشی از اجرای درست و باورپذیری آن صحنه بود. ما شاهد لحظه‌ای واقعی از احساسات یک نوجوان ۱۸-۱۷ ساله بودیم که در موقعیتی خاص و حساس، واکنشی طبیعی نشان می‌دهد. از همین رو تماشاگر نیز به‌طور ناخودآگاه با آن همذات‌پنداری می‌کند و واکنش به لحظه‌ای انسانی و صادقانه تبدیل می‌شود. همچنین دبیرخانه اعلام کرده بود که پخش فیلم‌ها در جشنواره به معنی دریافت مجوز پخش هم هست. اگر این منطق در ارزیابی اثر در نظر گرفته شود، طبیعتاً صدور پروانه نمایش نباید مشکلی داشته باشد.

تهیه‌کننده «بچه مردم» در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

تلاش ما آشتی دادن مخاطب با سینماست

فیلمی متفاوت از آنچه در سینمای ایران وجود دارد ساخته‌ایم

مریم فضائلی خبرنگار گروه فرهنگ

پررنگ‌ترین حضور سیدعلی احمدی در دنیای فرهنگ و هنر به فصل سوم تا هشتم برنامه «خندوانه» برمی‌گردد. برنامه‌ای که بیش از ۹۰۰ قسمت محتوا آماده کرد و از سال ۱۳۹۳ تا سال ۱۴۰۱ پخش شد. البته که او به‌عنوان یک تهیه‌کننده در سینما هم شناخته می‌شود و از او فیلم سینمایی «عزیز» روی پرده به نمایش درآمد. اما سیدعلی احمدی باب جدیدی در کارنامه کاری‌اش باز کرده و به سراغ کاری بزرگ‌تر رفته. در چهل‌وسومین جشنواره فیلم فجر، سیدعلی احمدی با همراهی همکار و دوست قدیمی‌اش محمود کریمی، با «بچه مردم» به جشنواره آمد و توانست رضایت اهالی رسانه را جلب کند. با تهیه‌کننده «بچه مردم»، به گفت‌وگو نشستیم و درباره این فیلم صحبت کردیم.

برای شروع گفت‌وگو بفرمایید چرا سوره «بچه مردم» را انتخاب کردید؟

واقعیت این است دغدغه‌های آقای یوسف اصلانی



باعث شد به این سوره برسیم. اصلانی سال‌ها دغدغه بچه‌های یتیم‌خانه‌ها و مراکز نگهداری و به‌ویژه تعدادی از این بچه‌ها که در دوران دفاع مقدس به شهادت رسیدند را داشت. هدف این بود که غباری از مظلومیت این بچه‌ها برداریم. تعداد این بچه‌ها حدود ۸۰ نفر است که نسبت به جمعیت کل کشور و تعداد شهدای ما عدد قابل توجهی است. اما موضوع فقط این نبود؛ مسیر پرترش و پرچالش زندگی این بچه‌ها هم برای ما مهم بود. دوست داشتند جامعه از این موضوعات آگاه شود. برای همین به سراغ این قصه رفتیم و با دنیای بزرگی روبه‌رو شدیم. ماه‌ها روی متن، پژوهش، فیلم‌نامه، دیالوگ‌نویسی و ساختمان فیلمنامه کار کردیم تا به این نقطه برسیدیم.

تیم «بچه مردم» چطور کامل شد و شکل گرفت؟

از اول پروژه فقط خودمان بودیم؛ یعنی نویسندگانه (آقای کریمی و خانم یارمحمدی)، بنده و همکارانم در مجموعه استودیو استوا (خانم میثمی و دیگران). کم‌کم افراد از حوزه‌های مختلف فنی و غیرفنی به تیم اضافه شدند.

نسبت آقای اصلانی با این پروژه چطور بود؟

آقای اصلانی مبدع بهشت امام رضاست و کسی است که این مرکز را ایجاد کرده. دغدغه شخصی‌اش باعث شد تا بخشی از هزینه‌های فیلم را شخصاً پرداخت کنند اما وقتی هزینه‌ها بالا رفت نهادهای دیگر هم کمک کردند. حتی این نهادها اعلام کردند که ما صددرصد هزینه‌ها را پرداخت می‌کنیم. اما از آنجایی که نگران بودیم شاید نگاه و دغدغه‌های گروه ما با آن نهادها یکسان نباشد، بنابراین تصمیم گرفتیم به همان روش مستقل پیش برویم. در پایان فیلم نوشته شده است «موصول بهشت امام رضا»، اما این فیلم در اصل محصول معنوی این مرکز است. به‌نوعی قصه برعکس است؛ از خارج این مرکز تزیق مالی شد و هر عایدی که این فیلم داشته باشد به بهشت امام رضا بازخواهد گشت.

همکاری شما با محمود کریمی، کارگردان چطور بود؟ مخصوصاً که شما یک رفاقت قبلی هم داشتید و اگر این اعتماد شکل نمی‌گرفت شاید فیلم آنقدر موفق نبود.

بله، من محمود کریمی را از قبل می‌شناختم و به استعدادش ایمان داشتم. می‌دانستم اگر فضای مناسبی برای کار کردن داشته باشد، می‌تواند اثری دلچسب خلق کند. وقتی در یک پروژه با علی می‌گوی، باید تا انتها پای کار بمانی. ما از ابتدا نتیجه را می‌دیدیم و می‌فهمیدیم که قرار است چه اتفاقی بیفتد. همکاری ما بر پایه شناخت

بود؛ چون رفاقت، شناخت عمیق‌تری ایجاد می‌کند. البته دوستی ما در فضای کاری شکل گرفت و بعد به بیرون هم سرایت کرد، اما مهم این بود که محاسن و معایب یکدیگر را می‌دانستیم.

انتظار این میزان استقبال را داشتید؟

ما مطمئن بودیم که فیلمی متفاوت از آنچه در سینمای ایران وجود دارد ساخته‌ایم. بنابراین انتظار استقبال داشتیم، اما نه تا این حد که در سینماها و همچنین کاخ جشنواره استقبال شد.

مطمئن‌تایی از موارد مهم در ساخت فیلم، بحث اکران است، به‌موضوع اکران فکر کردید؟

واقعیت این است که تا لحظه آخر درگیر آماده‌سازی فیلم بودیم و اصلاً فرصت نکردیم به این موضوع فکر کنیم، حتی هنوز تیزر رسمی فیلم را هم آماده نکرده‌ایم چون فرصت نشده است. البته این هم به‌نوعی به ایده‌آل‌گرایی من و آقای کریمی برمی‌گردد که گاهی باعث می‌شود فرایندها کمی کندتر پیش برود. با برخی از دوستان و متخصصان که صحبت کردم به نظرم آمد اردیبهشت‌ماه، بعد از ماه رمضان و تعطیلات عید زمان مناسبی برای اکران باشد. اما در نهایت باید بررسی کنیم و ببینیم که آیا ظرفیت مناسبی برای نمایش فیلم «بچه مردم» وجود دارد یا نه.

به‌جز کارگردان باقی اعضای تیم را چقدر می‌شناختید و تجربه همکاری با این تیم چطور بود؟ آیا اعضای تیم را خودتان انتخاب کردید یا پیشنهاد دیگران بود؟

عوامل سینما عموماً با عواملی که در حوزه برنامه‌سازی با آنها کار می‌شود، متفاوت است. در سینما به این شکل است که افراد مرکزی را با مشورت و همراهی و کمک دوستان، انتخاب می‌کنیم و رفته‌رفته دیگر عوامل را به تناسب وضعیت و شرایط کاری خودتان و آن‌ها انتخاب می‌کنید.

به‌عنوان تهیه‌کننده‌ای که از ابتدا در پروژه حضور داشتید چه میزان در تغییرات فیلمنامه، تصمیم‌های فنی و هنری و دیگر جنبه‌های تخصصی فیلم مشارکت داشتید؟ آیا در کم و زیاد کردن فیلمنامه با سایر بخش‌ها نقش فعالی ایفا کردید؟

ماجرای این فیلم فرق می‌کند. زمانی یک متنی پیشنهاد می‌شود و کار متناسب با آن پیش می‌رود اما در این پروژه ایده و دغدغه در کنار متن و فیلمنامه با هم پیش برده شدند. این باعث شد من در جلسات متعدد همراه با آقای اصلانی و تیم نویسندگان باشم و نظراتم را به آن‌ها بگویم.

با توجه به تجربه شما در زمینه فیلم‌های اجتماعی و در جریان بودن بازار فروش این ژانر، چه پیش‌بینی‌ای برای استقبال از فیلم «بچه مردم» دارید؟

